

شناسایی متغیرهای اثر گذار بر ترک تحصیل زود هنگام دختران دوره

راهنمایی تحصیلی^۱

مرضیه عارفی

چکیده: این مقاله در پی آن است که به شناسایی عوامل و متغیرهای درون مدرسه (تجارب مدرسه) که به ترک تحصیل زودهنگام دختران دوره راهنمایی (در استان آذربایجان غربی) منجر می شود، بپردازد. در این راستا، چهار فرضیه عمده بر روی دو گروه از دختران (گروهی که ترک تحصیل کرده اند و گروهی که به تحصیل ادامه داده اند) مورد آزمون قرار گرفت. در این تحقیق معدل آخرین سال تحصیلی به عنوان شاخص عملکرد تحصیلی در نظر گرفته شد و ابتدا تاثیر متغیرهای دیگر بر روی عملکرد تحصیلی و سپس تفاوت دو گروه ترک تحصیل کرده و در حال تحصیل توسط آزمون t محاسبه گردید. نتایج حاکی از آنست که ساعات مطالعه در روز، رفتار ناسازگار در مدرسه، عزت نفس تحصیلی، و اعتقادات و باورهای دختران با معدل آخر سال آنان ارتباط دارد، اما تاثیر مستقیمی بر ترک تحصیل ندارد. در حالیکه، میزان احساس تعلق به مدرسه، میزان تفریحات و باور به ارتباط بین تلاش و موفقیت رابطه معنی داری با ترک تحصیل دارد.

واژه های کلیدی: ارتباطات خانوادگی، ارتباط با دوستان، افت تحصیلی، تجارب خانوادگی، ترک تحصیل، تعلق به مدرسه، رفتار ناسازگار در مدرسه، عزت نفس تحصیلی، عملکرد تحصیلی

^۱- این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی "بررسی علل ترک تحصیل زود هنگام دختران در دوره راهنمایی تحصیلی" است که به سفارش و اعتبار مالی شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی در سال تحصیلی ۱۳۸۲ انجام گرفته است.

مقدمه

عدم تکمیل تحصیلات در دوره های اولیه تحصیل ضایعات فردی و اجتماعی متعددی به دنبال دارد. نوجوانانی که در سنین پایین به ایفای نقش و رفتار بزرگسالان می پردازند در بزرگسالی متحمل خسارات فراوانی می شوند. هرچقدر نوجوانان تجارب آموزشی بیشتری در دوران نوجوانی کسب نمایند، بهتر می توانند آماده رویارویی با چالش های زندگی در دوره بزرگسالی باشند (پیرسون و نیوکامب^۱، ۵۶۸:۲۰۰۰). در طی دهه های گذشته تحقیقات متعددی در مورد آثار ترک تحصیل بر روی دختران جوان انجام گرفته است. عوامل خطرزا برای ترک تحصیل زود هنگام دختران شامل عوامل اجتماعی، فردی و بین فردی است. فرهنگ خانه و مدرسه، رابطه بین فرهنگ جامعه و فرهنگ خانواده و سطح اقتصادی خانواده، می تواند تجارب آموزشی دختران در مدرسه را تحت الشعاع قرار دهد (استیفنز^۲، ۱۹۹۸: منبع اریک).

شکست تحصیلی و تجارب منفی در مدرسه با شاگردان و با جو مدرسه می تواند افت تحصیلی و در نهایت ترک تحصیل دختران را به همراه داشته باشد (چاو و استانلی^۳، ۱۹۹۶: منبع اریک). تحقیقاتی که از روش تحلیل چند متغیره استفاده کرده اند نشان می دهد که مشکلات رفتاری (مانند ناسازگاری در مدرسه و بزهکاری) عملکرد تحصیلی ضعیف (معدل پایین، مردودی)، توانایی شناختی پایین، حمایت و نظارت ضعیف والدین و انتظارات مدرسه هرکدام به تنهایی می تواند پیش بینی کننده ترک تحصیل باشد (جانوز و همکاران^۴، ۲۰۰۰: ۱۷۲). کیرنس و همکارانش^۵ (۱۹۸۹:۱۴۴۹) در یک تحقیق طولی شواهدی به دست آوردند که نشان می داد شاگردانی که دارای مشکلات درسی و رفتاری هستند، احتمال افت تحصیلی شان بیشتر است. اما آنان اکثریت ترک تحصیل کنندگان را تشکیل نمی دهند. این محققین دریافتند که ۴۵ درصد کسانی که دچار افت تحصیلی شدند نمرات درسی پایینی داشتند. اما ۴۵ درصد کسانی که افت تحصیلی داشتند دارای مشکلات رفتاری و درسی و بدون مشکل علمی بودند و تنها ۱۰ درصد آنها بدون مشکل رفتاری و درسی بودند.

1. Pearson and Newcomb

2. Stephens

3. Chow and Stanley

4. Janosz

5. Cairns

رونیک و هارگیز^۱ (۱۹۹۰: ۲۴۲) ویژگی های شخصیتی و تجارب مدرسه را باهم در مورد افت تحصیلی مورد مطالعه قرار دادند. آنان دانش آموزانی را که دارای عملکرد تحصیلی خوبی بودند از دانش آموزانی که عملکرد تحصیلی ضعیفی داشتند متمایز کردند. در مرحله نخست آنان به این نتیجه رسیدند که برخی از دانش آموزانی که دارای عملکرد تحصیلی مطلوبی هستند بدلیل مشکلات رفتاری، مدرسه را ترک می کنند. اما در بین کسانی که دارای عملکرد تحصیلی پایینی بودند، سه نوع افت تحصیلی مشاهده می شود: دسته اول شامل دانش آموزانی است که هم دارای معدل ضعیفی هستند و هم رفتارهای ناسازگار در مدرسه برای آنان مشکل ایجاد می کند و آنان را مجبور به ترک تحصیل می کند. دسته دوم دانش آموزانی که رفتار ناسازگار در آنان دیده نمی شود اما سابقه ممتد شکست تحصیلی دارند و سابقه شکست آنان منجر به ترک تحصیل می شود. گروه سوم دانش آموزانی هستند که به دلیل فقدان دانش لازم قادر به اتمام موفقیت آمیز امتحانات نهایی نشده و ترک تحصیل می کنند. رونیک و هارگیز این طبقه بندی ها را مورد آزمایش قرار ندادند و نتوانستند نقش عوامل مختلف از جمله ویژگی ها و موقعیت اجتماعی- اقتصادی خانواده را مورد مطالعه قرار دهند لذا آنها بیشتر تمایل به ترکیب عوامل رفتاری و شناختی داشتند.

پژوهشی که بین سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۴ در چهار استان محروم کشور انجام شد نقشی را که عوامل درون و برون مدرسه در دسترسی دختران به آموزش ابتدایی دارد، مورد مطالعه قرار داده و عوامل بازدارنده را به صورت عوامل فرهنگی، اقتصادی و آموزشی طبقه بندی کرده است (مهران، ۱۳۷۵: ۳۵-۱۰). نابرابری های آموزشی در جامعه نیز می تواند یکی دیگر از دلایل ترک تحصیل دختران باشد. داش خانه (۱۳۸۰: ۴۵-۵۸) پس از مطالعه در شش استان کشور به این نتیجه رسیده است که در زمینه دستیابی برابر به فرصت های آموزشی بین دختران و پسران تفاوت وجود دارد و این تفاوت با محرومیت بیشتر دختران در مقایسه با پسران همراه است. این محقق نتیجه می گیرد که عوامل فرهنگی و اقتصادی بیرون از مدرسه به میزان بیشتری موجب محرومیت دختران از آموزش در دوره عمومی می شود. تحقیقات تجربی نیازمند آن است که به دسته بندی علل و عوامل درون و بیرون مدرسه بپردازد و نقشی را که هرکدام در افت تحصیلی دارند، به طور جداگانه بررسی کنند. این نوع دسته بندی در تحقیقات

^۱ . Kronick and Harges

بندرت به چشم می خورد و محققان با این تفاوتها آشنایی دارند اما در تجزیه و تحلیل داده ها آنها را بحساب نمی آورند. فرآیندی را که منتهی به ترک تحصیل می شود، نباید صرفاً در ویژگی های فردی جستجو نمود، تجارب آموزشی مدرسه همیشه به عنوان یک عامل، تعیین کننده عملکرد تحصیلی و انگیزه دانش آموزان به حساب می آید.

نویسنده در این مطالعه در پی آن است تا بتواند مجموعه عواملی را که در ایجاد افت تحصیلی موثرند شناسایی نموده و آنها را دسته بندی نماید، بنابراین عملکرد تحصیلی را عامل واسطه ای فرض نموده و سایر عملکردهای ناشی از آن را نیز مورد مطالعه قرار داده است. بهمین دلیل به ترسیم مدلی پرداخته تا زمینه های پیش بینی را مهیا سازد. از نقطه نظر تئوریک، ساختن و سازمان دادن این مدل می تواند به ما کمک کند تا عواملی را که منتهی به افت تحصیلی و در نهایت ترک تحصیل می شود روشن سازیم.

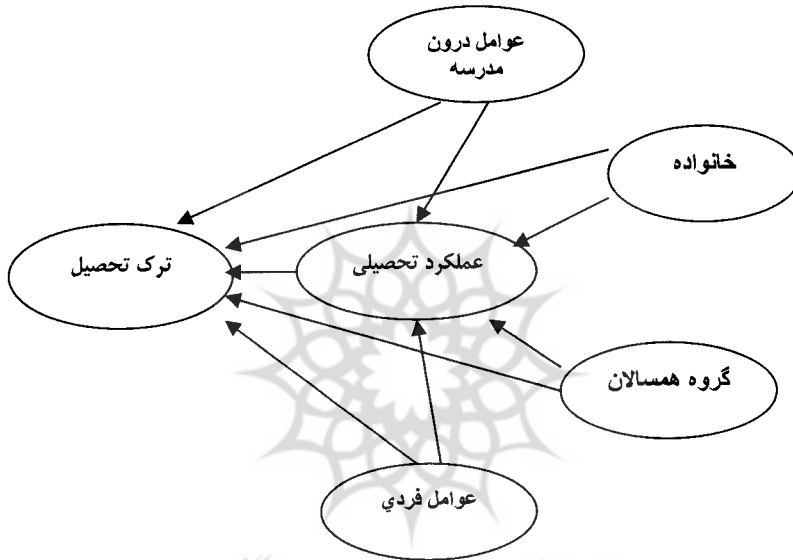
مبانی نظری

تحقیقاتی وجود دارد که مجموعه ای از متغیرهای پیش بین را بطور همزمان مورد آزمایش قرار داده و اثرات عواملی مانند رفتارهای ناسازگار، وضعیت اقتصادی- اجتماعی والدین، ویژگی های مدرسه و گروه همسالان را بر افت تحصیلی مورد بررسی قرار داده است (رامبرگر^۱ ۱۹۹۵: ۶۰۱، پیرسون و نیوکامب، ۲۰۰۰: ۵۷۰). تحقیقات متعددی نشان می دهد که عملکرد تحصیلی ضعیف معمولاً یکی از مؤثرترین عوامل در افت تحصیلی و در نهایت ترک تحصیل است (کیرنس و نکرمن^۲، ۱۹۸۹: ۱۴۵۲-۱۴۳۷، فاگان و پابن^۳، ۱۹۹۰: ۳۲۲). با وجود آنکه رابطه بین عملکرد تحصیلی ضعیف و افت تحصیلی در مطالعات متعددی مشخص شده است، تحقیقات اندکی عملکرد تحصیلی ضعیف را به عنوان یک متغیر واسطه ای برای پیش بینی ترک تحصیل زودهنگام مورد آزمون قرار داده اند (گارینز و همکاران، ۱۹۸۹: ۱۴۵۲-۱۴۳۷؛ جانوز و همکاران، ۱۹۹۷: ۷۴۵).

1. Rumberger

2. Neckerman

3. Fagan and Paban



نمودار ۱- مدل نظری عوامل مؤثر در ترک تحصیل دانش آموزان دختر

عوامل درون مدرسه

یافته های پژوهشی حاکی از آنست که تجاربی که دانش آموزان در مدرسه کسب می کنند تاثیر بسزایی در افت تحصیلی آنان دارد (کیرنس و همکاران، ۱۹۸۹: ۱۴۵۲-۱۴۳۷، فاگان و پابن، ۱۹۹۰: ۳۲۲). محققین دریافتند دانش آموزانی که در مدرسه موفق هستند معمولاً دارای نوعی احساس وابستگی به مدرسه هستند و این دسته از دانش آموزان معمولاً عملکرد تحصیلی بهتری نسبت به دیگران دارند و به همین دلیل است که دانش آموزان موفق کمتر دچار افت تحصیلی میشوند. جانوز (۲۰۰۰: ۷۳۴) دریافت که متغیرهای مربوط به تجارب مدرسه بهترین پیش بینی کننده افت تحصیلی است و دیگر متغیرهای روان شناختی، حتی اگر معنی دار هم باشد نمی تواند به اندازه تجارب مدرسه قابلیت پیش بینی کننده داشته باشد.

عوامل خانوادگی

خانواده شرایطی را فراهم می آورد که می تواند در زندگی تحصیلی آتی کودک نقش اساسی داشته باشد. تجارب خانوادگی می تواند در عملکرد تحصیلی کودک مؤثر باشد و از این رو در زندگی بعدی کودک اثر بسزایی دارد. از جمله این تجارب می توان به از هم گسستگی خانواده، رفتارهای اقتدار گرایانه، سطح سواد و درآمد والدین اشاره نمود (رامبرگر، ۱۹۹۵: ۶۰۱). والدینی که رابطه شان با فرزندان خشن و غیردوستانه است غالباً به سرزنش کردن و اهانت و تنبیه فرزندان خود تمایل دارند و والدینی که از فرزندان خود مسئولیت نمی خواهند معمولاً نظم و قاعده خاصی را در تربیت فرزندان خود دنبال نمی کنند.

یکی از پژوهش ها نشان می دهد که ترک تحصیل کنندگان بیشتر از خانواده هایی هستند که دارای درآمد پایین هستند. نتایج این مطالعه حاکی از آنست که دانش آموزانی که از خانواده های کم درآمد جامعه هستند معمولاً شانس ترک تحصیلاتشان دوبرابر خانواده هایی است که درآمدی بیش از ۲۰ درصد پایین جامعه دارند (مک میلن^۱ و همکاران، ۱۹۹۷: ۳۴۲).

نگرش نقش جنسیتی در جامعه ایالات متحده آمریکا، مدارس و خانواده های لاتینی در عملکرد تحصیلی دختران اثر می گذارد. مادران لاتین تأثیری قوی بر روی تحصیل دخترانشان و همچنین انتخاب شغل آنان دارند. اگرچه تحصیل ارزش فراوانی در نزد آنان دارد اما مادری که از طبقه اقتصادی - اجتماعی پایینی هستند و نسبت به آینده ناامید و نسبت به زندگی خود ناراضی و پریشان خاطر هستند، معمولاً با دخترانشان در مورد آموزش های عالی و حرفه مناسب زیاد صحبت نمی کنند در نتیجه چنین دخترانی حتی وقتی که در دبیرستان معدل خوبی هم دارند معمولاً به ترک تحصیل خود فکر می کنند (تیناژرو، گوزالس، و دیک، ۱۹۹۱: منبع اریک).

^۱ . Mc Millen

^۲ . Tinajero; Gonzales and Dick

نحوه ارتباط با گروه همسالان

نوجوانان در این مرحله از رشد بطور اجتناب ناپذیری تحت تاثیر دوستان و همسالان خود قرار می گیرند. مطالعات پژوهشی نشان می دهد که همسالان تاثیر قابل ملاحظه ای بر روی عملکرد تحصیلی دوستان خود دارند (هلی نان و ویلیامز^۱، ۱۹۹۰: ۱۲۸، پیرسون و نیوکامب، ۲۰۰۰: ۵۷۰). به عبارت دیگر وابستگی به دوستان و یا بالعکس طرد شدن از طرف همسالان می تواند عملکرد تحصیلی در مدرسه را تحت الشعاع قرار داده و یک عامل پیش بین برای ترک تحصیل باشد.

سلمن (۱۹۸۰) بیان می کند که دوستی در دوره نوجوانی به صورت انحصاری و بیشتر به شکل دوستی های دونفری شدت می یابد. دوستی ها با ارتباطات صمیمانه ای پدیدار می شود که اغلب تشکیل، تداوم و نگهداری آن برای نوجوانان بسیار دشوار است. در این دوران نوجوانان دوستان خود را براین اساس ارزیابی می کنند که می توانند با آنان درونی ترین افکار، احساسات و رازهایشان را در میان بگذارند. به عبارت دیگر، خود فاش سازی یکی از ملاک های دوستی در این مرحله است. (حجازی و ظهورند، ۱۳۸۰: ۵).

اگرچه ادعا شده است که گروه همسالان می تواند در افت تحصیلی موثر واقع شود اما فاین^۲ (۱۹۸۶: ۴۰۹-۳۹۳) معتقد است که گروه همسالان فقط بخشی از دلمشغولی های درون مدرسه است و دو عامل خانه و مدرسه نقش اساسی تری را بعهده دارند. نوجوانان نیازمند حمایت از تلاششان و نیازمند برخورد مثبت هم در خانه و هم در مدرسه هستند. این حمایت آنان را قادر می سازد که خود انگاره بی قدرتی و شکست را در خویش تغییر داده و خود را به عنوان کسی ببینند که می تواند نتایج کار خود را خلق نماید.

عقاید و باورهای دانش آموز

ولز^۳ و همکاران (۱۹۸۹: منبع اریک) بر نقش عوامل درون مدرسه در ترک تحصیل دانش آموزان بیشتر تاکید دارند. این پژوهشگر به این نتیجه رسیده است که ساختار و اندازه گروههای آموزشی می تواند در ترک تحصیل دانش آموزان موثر باشد. وجود ضعف در روابط معلم و شاگرد، تخصصی بودن

^۱ . Hallinan and Williams

^۲ . Fine

^۳ .Wells

معلمان در موضوعات درسی، رشد منفی ارزیابی از خود در بین دانش آموزان اقلیت نیز می تواند در ترک تحصیل آنان مؤثر واقع شود.

پژوهش ها حاکی از آنست افرادی که کنترل کافی بر زندگی خود دارند و در تکالیف خود عملکرد بهتری دارند، کمتر تحت نفوذ دیگران قرار می گیرند، برای مهارتها و پیشرفت های شخصی خود ارزش والائتری قائل اند و از بهداشت روانی بهتری برخوردارند (کریمی، ۱۳۸۲: ۲۰۷).

وقتی دانش آموز یا نوجوان پیامدهای مثبت رفتار خود را به کوشش و تلاش خویش نسبت می دهد، موفقیتش در او احساس غرور ایجاد می کند، اما برعکس، زمانی که شخص موفقیت خود را به عواملی مانند شانس و اقبال نسبت می دهد احساس غرور و اعتماد به نفس نمی کند. در واقع، خودپنداره^۱ دانش آموز به الگوی نسبت دادن او وابسته است. دانش آموزی که براین باور است که چون تلاش می کنم، پس موفق هستم، و شکست خود را ناشی از توانایی و کوشش کم خود می داند، با تکالیف مختلف یادگیری با نوعی خود پنداره مثبت برخورد می کند.

در تحقیقی که توسط آکادمی توسعه آموزشی^۲ (۱۹۹۲) صورت گرفته نتایج نشان داده است که دختران آمریکای لاتین، در خلال دوره نوجوانی عزت نفس بسیار کمتری نسبت به دیگر گروههای سنی خود دارند و نقش این دختران در خانواده در میزان عزت نفس آنان بسیار مهم است. ۳۸ درصد دختران آمریکای لاتینی که در دوره دبیرستان درس می خوانند، احساس خوبی نسبت به خود در خانواده داشتند در حالیکه این نرخ در بین دختران دوره راهنمایی ۵۹ درصد و نزد دختران دبستانی ۷۹ درصد بوده است. طبق گزارش این تحقیق، ۸۳ درصد دختران دبیرستانی (آمریکای لاتینی) نقش خانه داری خود را مورد تایید قرار نمی دادند اما یک سوم آنان ناامیدانه اعتقاد داشتند که عاقبت این نقش را خواهند پذیرفت. در مجتمع کالج لوس آنجلس شرقی (کالیفرنیا) برنامه جامعی بر روی شاگردان آمریکای لاتین که ترک تحصیل زود هنگام داشتند انجام شد. این برنامه شامل چهار عنصر بنیادی: (۱) ایجاد خودکفایی^۳ در شاگردان، (۲) تدریس مهارتهای یادگیری به شاگردان، (۳) تدریس مدیریت استرس به شاگردان، و (۴) ایجاد خود-کفایی و آموزش مهارتهای مدیریت استرس در معلمان بود. بعد از یک و نیم

^۱ . self- conception

^۲ .Academy for Educational Development

^۳ .self - efficiency

شناسایی متغیرهای اثر گذار بر ترک تحصیل زود هنگام دختران ۱۵۵

سال، میانگین گروه مورد مطالعه در حدود ۳/۸ نمره افزایش یافت و فقط ۱۶ درصد ترک تحصیل آنها داشتند. نتیجه موفقیت آمیز این برنامه ایجاد توانایی های خود- باوری در بین شاگردان بود (باریوس،^۱ ۱۹۹۷: منبع اریک).

اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش اجتماعی مطالعه عوامل ترک تحصیل دختران در دوره راهنمایی تحصیلی با تاکید بر عوامل و تجربیات درون مدرسه است. منظور از تجربه مدرسه آنست که اولاً: تحقیقات نشان می دهد که عوامل درون مدرسه در مقایسه با سایر عوامل از قدرت پیش بینی کننده بیشتری در ترک تحصیل برخوردار است،

ثانیاً: بسیاری از گزارش های علمی حاکی از آنست که مدل های طراحی شده برای شناخت ترک تحصیل، عوامل درون مدرسه را به عنوان عناصر کلیدی به حساب می آورند. پایه های تئوریکی که این تحقیقات بکار گرفته اند می تواند به ما کمک نماید که یافته های تحقیقات تجربی پیشین را سازماندهی نموده و از بکارگیری دیدگاههای غیر تئوریک پرهیز نماییم.

ثالثاً: مرور پیشینه ای این فرض را قوت می بخشد که کیفیت تجربه مدرسه در بین دانش آموزانی که افت تحصیلی دارند یا ترک تحصیل زود هنگام دارند کاملاً نامتجانس و ناهمگن است (رونیک و هارگیز، ۱۹۹۰: ۲۴۷، وهلیچ^۲ و همکاران، ۱۹۸۹: ۲۰۵).

بهمین دلیل شناخت تجربه مدرسه در مورد دخترانی که ترک تحصیل زود هنگام دارند بسیار ضروری است. از آنجا که ادبیات تحقیق نشان می دهد که عملکرد یا افت تحصیلی به صورت عامل واسطه ای عمل می کند، هدف دیگر این پژوهش شناخت متغیرهایی است که عملکرد تحصیلی را تحت الشعاع قرار می دهد. عملکرد تحصیلی ضعیف یکی از علل مهم افت تحصیلی و ترک تحصیل است. عواملی مانند میزان تعلق به مدرسه، تجارب خانوادگی، روابط با همسالان و باورها و نگرشهای فردی ابتدا بر روی عملکرد تحصیلی اثر می گذارد، هرچند که می تواند با ترک تحصیل همراه باشد.

¹.Barrios

².Wehlage

فرضیه های پژوهش

- بین ترک تحصیل دختران و تجارب مدرسه (میزان تعلق به مدرسه، میزان ناسازگاری در مدرسه، میزان تفریحات و سرگرمی ها و اوقات فراغت) آنان رابطه وجود دارد.
- بین ترک تحصیل دختران و تجارب خانوادگی (فرآیند ارتباطی با والدین، سطح تحصیلات والدین و...) آنان رابطه وجود دارد.
- بین ترک تحصیل دختران و ارتباط با گروه همسالان رابطه وجود دارد.
- بین عقاید و باورهای دختران (عزت نفس تحصیلی، ارزیابی از شکست، موفقیت و...) با ترک تحصیل آنان رابطه وجود دارد.

روش شناسی

روش مورد استفاده در این مطالعه، روش پیمایشی است. در مطالعه حاضر، ابتدا گروهی از دخترانی را که در حین تحصیل در دوره راهنمایی مدرسه را ترک کرده اند، انتخاب نموده و سپس گروهی از دخترانی که به تحصیل خود در دوره دبیرستان (اختصاصاً دوره اول دبیرستان) ادامه داده اند را بطور تصادفی انتخاب کردیم. به دلیل گستردگی جامعه مورد مطالعه، جهت انتخاب نمونه از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای به طریق تصادفی استفاده شده است.

در مرحله اول از بین شهرهای استان آذربایجان غربی (به استثنای ارومیه) به صورت تصادفی سه شهر سلماس، بوکان و شاهین دژ انتخاب شدند و در مرحله دوم از بین فهرست مدارس راهنمایی و متوسطه، بصورت قرعه کشی یک مدرسه راهنمایی و یک دبیرستان مشخص شدند و با مراجعه به مدارس راهنمایی، لیست اسامی و آدرس دخترانی که به تحصیل خود ادامه نداده اند را دریافت و با مراجعه به منازل آنان و با کسب اجازه از والدین، پرسشنامه به صورت مصاحبه سازمان یافته به اجرا درآمد. برای گروه مقایسه، با مراجعه به دبیرستانهای انتخابی سه شهر مذکور، یک کلاس در پایه اول بطور تصادفی انتخاب و سپس با دانش آموزان آن مصاحبه ای انجام شد.

تعداد کل آزمودنی ها در نمونه حاضر ۳۰۵ نفر (۱۵۶ دختر ترک تحصیل کرده و ۱۴۹ دختر مشغول به تحصیل) است. در مطالعه حاضر تحلیل داده ها در دو مرحله عمده انجام گرفته است. در مرحله اول، براساس مدل ارائه شده، تاثیر تمامی متغیرهایی که بر عملکرد تحصیلی (معدل آخر سال) اثر می گذارند

شناسایی متغیرهای اثر گذار بر ترک تحصیل زود هنگام دختران ۱۵۷

بطور جداگانه بر روی دو گروه از دختران (ترک تحصیل کرده و مشغول به تحصیل) از طریق همبستگی اسپیرمن معین شده و سپس از طریق رگرسیون چند متغیری میزان تاثیر آنها بر عملکرد تحصیلی مورد سنجش قرار گرفته است. در مرحله دوم، برای تشخیص تفاوت میانگین بین دو گروه از دختران ترک تحصیل کرده و مشغول به تحصیل از آزمون t استفاده شده است و در نتیجه متغیرهایی که می توانند ترک تحصیل را پیش بینی کنند مشخص شده است.

یافته های پژوهش

میانگین سنی دختران ترک تحصیل کرده ۱۷ و میانگین سنی دختران مشغول به تحصیل ۱۵ بوده است. ۲۵ درصد دخترانی که مدرسه را ترک گفته اند متولد روستا هستند، در حالیکه این رقم در بین دختران مشغول به تحصیل به ۱۷ درصد می رسد. همچنین حدود سی و سه درصد پدران دخترانی که ترک تحصیل کرده اند بیسوادند و این رقم در بین دختران مشغول به تحصیل به ۱۷ درصد می رسد. افزون بر این، دخترانی که به تحصیل خود ادامه داده اند دارای پدرانی هستند که دارای تحصیلات دیپلم (۲۲ درصد) بوده اند که این رقم در دختران ترک تحصیل کرده به ۹ درصد می رسد. بعلاوه، ۶۰ درصد مادران دختران ترک تحصیل کرده بیسوادند و این رقم در بین دختران مشغول به تحصیل به نصف (۳۰ درصد) می رسد.

جدول ۱- رابطه بین عوامل مختلف و عملکرد تحصیلی (معدل آخر سال) دختران ترک تحصیل کرده

معدل آخر سال	ضریب همبستگی	سطح معناداری
میزان تعلق به مدرسه	۰/۲۳**	۰/۰۰۶
رفتار ناسازگار در مدرسه	-۰/۲۴۸**	۰/۰۰۱
باور به ارتباط بین تلاش و پیشرفت	-۰/۲۷۲**	۰/۰۰۱
عزت نفس	۰/۴۷۶**	۰/۰۰۰
تجارب خانوادگی	۰/۰۲۸	۰/۷۳۲
ارتباطات خانوادگی	-۰/۰۴۴	۰/۵۸۸
ارتباط دوستی	۰/۰۰۵	۰/۹۵۳
میزان تفریحات	۰/۱۷۷*	۰/۰۰۲
عقاید و باورها	۰/۲۰۹**	۰/۰۰۹

همانگونه که در جدول بالا نشان داده می شود از بین عواملی که بر روی عملکرد تحصیلی دختران ترک تحصیل کرده اثر گذار است، می توان به میزان تعلق به مدرسه، رفتار ناسازگار در مدرسه، باور به ارتباط بین تلاش و موفقیت، عزت نفس، میزان تفریحات و عقاید و باورها اشاره نمود که مستقیماً بر عملکرد تحصیلی دختران ترک تحصیل کرده اثر گذاشته اند و رابطه معنی داری با عملکرد تحصیلی دارند. برخلاف فرض اولیه، ارتباطات، ویژگی ها و تجارب خانوادگی و ارتباطات دوستی دختران ترک مدرسه کرده عملکرد تحصیلی یعنی با معدل آخرسال آنان هیچگونه رابطه ای نداشته است.

جدول ۲- میانگین و انحراف استاندارد نمره های بدست آمده از متغیرهای مختلف در بین دو گروه از دختران

متغیرها	گروه ها	میانگین	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری
میزان تعلق به مدرسه	گروه ۱	۱/۶۵	۰/۶۳	-۵/۴۳	۰/۰۰۰
	گروه ۲	۱/۹۵	۰/۲۲	-۵/۵۲	۰/۰۰۰
رفتار ناسازگار در مدرسه	گروه ۱	۱/۱۱	۱/۲۳	۰/۴۵	۰/۱۳۳
	گروه ۲	۱/۰۵	۱/۰۹	۰/۴۵	۰/۱۳۳
ارتباط بین تلاش و موفقیت	گروه ۱	۳/۷۷	۱/۸۱	۲/۳۶	۰/۲۱۸
	گروه ۲	۳/۲۶	۱/۹۸	۲/۳۶	۰/۲۱۸
عزت نفس تحصیلی	گروه ۱	۹/۰۲	۲/۷۳	-۱/۴۳	۰/۱۵۱
	گروه ۲	۹/۵۰	۳/۰۳	-۱/۴۳	۰/۱۵۲
تجارب خانوادگی	گروه ۱	۳۵/۷۲	۵/۸۵	-۰/۹۵۲	۰/۳۴۲
	گروه ۲	۳۶/۳۳	۵/۲۵	-۰/۹۵۴	۰/۳۴۱
ارتباطات خانوادگی	گروه ۱	۲/۴۹	۰/۷۷۶	۱/۵۴	۰/۱۲۳
	گروه ۲	۲/۳۵	۰/۸۱۴	۱/۵۴	۰/۱۲۳
ارتباط با دوستان	گروه ۱	۱/۳۸	۰/۷۹۰	-۲/۳۲	۰/۰۲
	گروه ۲	۱/۶۷	۱/۳۰۷	-۲/۳۰	۰/۰۲
میزان تفریحات	گروه ۱	۱/۵۷	۰/۸۰۳	-۵/۴۰۵	۰/۰۰۰
	گروه ۲	۲/۰۵	۰/۷۳۳	-۵/۴۱۷	۰/۰۰۰
عقاید و باورها	گروه ۱	۱۸/۶۰	۴/۵۹	-۰/۶۳	۰/۵۲۶
	گروه ۲	۱۸/۹۱	۴/۰۵	-۰/۶۳	۰/۵۲۴

گروه ۱: دختران ترک تحصیل کرده

گروه ۲: دختران مشغول به تحصیل

نتایج بدست آمده حاکی از آنست که از طرفی میزان تعلق به مدرسه در بین دخترانی که ترک تحصیل کرده اند با عملکرد تحصیلی رابطه مثبت معنی داری دارد و از طرف دیگر بین میانگین نمرات بدست آمده از میزان تعلق به مدرسه در بین دختران ترک تحصیل کرده و مشغول به تحصیل، تفاوت معنی داری وجود دارد. رفتار ناسازگار در مدرسه با عملکرد تحصیلی دختران رابطه معناداری نداشته است. رابطه بین میزان تفریحات و عملکرد تحصیلی دختران ترک تحصیل کرده در این مطالعه معنی دار است و میزان تفریحات دختران مشغول به تحصیل، بیشتر از تفریحات دختران ترک تحصیل کرده بوده است. ویژگی ها، تجارب و ارتباطات خانوادگی هیچکدام رابطه معنی داری را با عملکرد تحصیلی و نهایتاً ترک تحصیل نشان نداد، فقط بین سطح تحصیلات مادر با عملکرد تحصیلی دختران رابطه معنی داری مشاهده شد.

همچنین در گروه های مورد مطالعه به لحاظ ارتباط با گروه همسالان، تفاوت وجود داشته است. به عبارت دیگر بین ترک تحصیل دختران و ارتباط با گروه همسالان رابطه وجود دارد. یعنی میانگین نمرات ارتباط با دوستان در میان دختران مشغول به تحصیل بیشتر بوده است. نوجوانان هم در خانه و هم در مدرسه نیازمند حمایت و برخورد مثبت هستند. این حمایت آنان را قادر می سازد که خود پنداره بی قدرتی و شکست را در خودشان تغییر داده و خود را به عنوان کسی ببینند که می تواند نتایج کار خود را خلق نماید.

یکی از نتایج بدست آمده در این مطالعه، آن است که میان دختران ترک تحصیل کرده و دختران مشغول به تحصیل به لحاظ میانگین عزت نفس تفاوتی دیده نشده است. میان نگرش دو گروه مورد مطالعه به نقش تلاش در موفقیت تفاوت معنی داری وجود داشته است. بدین معنی که دخترانی که تحصیلات خود را رها کرده اند بین تلاش و موفقیت رابطه ای نمی بینند. همچنین بین عقاید و باورهای دختران با عملکرد تحصیلی آنان رابطه ای دیده نشده است.

نتیجه گیری

بطور کلی نتایج این پژوهش چهارچوبی برای تشخیص عوامل اجتماعی مؤثر در ترک تحصیل دختران فراهم می کند. در این پژوهش ساعات مطالعه در روز و رفتار ناسازگار در مدرسه و عزت نفس تحصیلی و اعتقادات و باورهای دختران تاثیر مستقیمی بر روی ترک تحصیل آنان نداشت اما ارتباط معنی

داری با معدل آخر سال (عملکرد تحصیلی) آنان داشت. میزان تعلق به مدرسه و میزان تفریحات و همچنین باور به ارتباط بین تلاش و موفقیت بطور معنی داری با ترک تحصیل همبسته بودند. با توجه به عامل باور به تلاش و موفقیت و ارتباط آن با ترک تحصیل زود هنگام، بنظر میرسد که دختران مورد مطالعه ما در دوره راهنمایی تحصیلی از انگیزه پیشرفت پایینی برخوردارند.

این باور که هر قدر فرد تلاش نماید به موفقیت نایل نخواهد آمد منجر به احساس شرمساری و تردید به خود می شود و در نهایت فقدان هر نوع تلاش و کوشش را به دنبال خواهد داشت. ادراک فردی دانش آموزان از موفقیت و شکست بسیار مهم است. اگر احساس کنند که فقدان توانایی دلیل شکست آنان بوده است و توانایی امری ذاتی و غیر قابل کنترل است، انگیزه تلاش در آنها کاهش می یابد. کار معلم آن است که به شاگرد کمک نماید تا به این نتیجه برسد که موفقیت در سایه تلاش پیگیر و سخت به دست می آید. از نتایج جالب این تحقیق این است که عزت نفس تحصیلی بین دوگروه از دختران (ترک تحصیل کرده و مشغول به تحصیل) تفاوتی نداشته، اما با عملکرد تحصیلی آنها رابطه داشته است. در تحقیق حاضر ارتباط والدین با مدرسه، روش تدریس و نحوه برخورد معلمان و مدیران با شاگردان را مورد بررسی قرار ندادیم. پیشنهاد می شود که در تحقیقات دیگر به این مولفه ها نیز پرداخته شود. مطمئنا اندازه گیری توانایی های شناختی شاگردان، استراتژی یادگیری آنان، انگیزش و مشکلات یادگیری آنان می تواند محققان و برنامه ریزان را در شناخت ترک تحصیل زود هنگام کمک نماید.

منابع

- حجازی، الهه و زهره ظهورند (۱۳۸۰) « بررسی ملاک ها و کیفیت دوستی در کودکان و نوجوانان دختر»، مجله روان شناسی و علوم تربیتی، س ۶، ش ۱.
- دانش خانه، فاطمه (۱۳۸۰) « بررسی عوامل موثر در نابرابری آموزشی در دوره آموزش عمومی به منظور ارائه مدلی نظری برای آموزش دختران»، فصلنامه تعلیم و تربیت، ش ۴.
- کریمی، یوسف (۱۳۸۲) روان شناسی تربیتی، تهران: نشر ارسباران.
- مهران، گلنار (۱۳۷۵) « بررسی علل ترک تحصیل دختران در مقطع آموزش ابتدایی در منطقه خاور میانه و شمال آفریقا و بویژه در ایران»، فصلنامه تعلیم و تربیت، ش ۲.

- aspirations among adolescent girls and boys in the Untied States”, *American Association of University Women* (ED 387 557).
- Cairns, R. B.; Carins, B. D. and Neckerman, H.J.** (1989) “Early school dropout: Configurations and determinations”, *Child development*, pp: 1437-1452.
- Chow; Stanley and Others** (1996) “Dropping Out in Ogden City Schools: The Voice of the Students, Rural Education and Small Schools”, West ED, San Francisco, CA. *ERIC Accession No.-ED405160*.
- Fine, M.** (1986) “Why urban adolescence drop into and out of public high school”, *Teachers College Record*, pp: 393-409
- Fagan, J. and Paban, E.** (1990) “Contributions of delinquency and substance use to school dropout among inner-city youth”, *Youth & Society*.
- Hallinan, M. T. and Williams, R. A.** (1990) “Students characteristics and the peer-influence process”, *Sociology of Education*, Vol. 63.
- Janosz, M.; Le Blanc, M.; Boulerice, B. and Tremblay, R, E.** (1997) “Disentangling the weight of school dropout predictors: A test on two longitudinal samples”, *Journal of Youth and Adolescence*, Vol. 26.
- Janosz, M.; Blanc, M., Boulerice, B., and Tremblay, R.E.** (2000) “Predicting Different Types of School Dropouts: A Typological Approach with Two Longitudinal Samples”, *Journal of Educational Psychology*, Vol. 92, No. 1.
- Kronick, R. F. and Hargis, C. H.** (1990) *who drops out and why_ and the recommended action* Springfield, IL: Charles C. Thomas.
- McMillan, M. M. and Kaufman, P.** (1997) *Dropout rates in the United States*, Washington, DC: Government Printing Office.
- Pearson, S. B. and Newcomb, M. D.** (2000) “Predictors of Early High School Dropout: A Test of Five Theories”, *Journal of Educational Psychology*, Vol. 92, No. 3.
- Rumberger, R. W.** (1995) “Dropping out of middle school: A multilevel analysis of students and schools”, *American Educational Research Journal*, Vol. 32.
- Stephens, D.** (1998) “Girls and Basic Education: A Cultural Enquiry”, *ERIC Accession*, No. ED419130.
- Tinajero, Gonzales, and Dick** (1991) *Raising career aspirations of Hispanic girls: Fastback 320*, Bloomington, IN: Phi Delta Kappa Educational Foundation.. (ED 333 08)
- Wells, Amy Stuart.** (1989)“ Middle School Education- The Critical Link in Dropout Prevention”, *ERIC Accession*, No. ED311148.

مؤلف

مرضیه عارفی: استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه ارومیه
marzieh_arefi@yahoo.com پست الکترونیک:



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی